

سند باذنامه

-۲-

بدر نظر گرفتن اقتباسات نویسنده از اشعار عمادی مروزی - حکیم آوری و همچنان ابوالطیب المتینی شاعر بزرگک بساطت میتوان اظهار داشت که نویسنده سند باذ در روزگار خود شخصیتی برجسته و طرف توجه حکامداران عصر بوده و ضمناً در خلال دبیری خود مطالعاتی اندر فلسفه و اشعار بهم رسانده است . محمد فزونی در حواشی چهار مقاله می نویسد که ظهیرالدین گویا سهو است یک نسخه سند باذ را که در « بریتیش موزیم » دیده است نام مواف را در دیباچه بدین مظهر رقی خوانده است .

« بهاءالدین محمد بن علی بن محمد بن عمر الظهیری الکاتب السمرقندی » از کثیت وی چنین برمی آید نام پدرش علی و اسم جدش محمد بوده است . اینکه نامبرده از سمرقند بوده و روزگاری را به نیک نامی مردم داری در آن سامان گذرانده است شک نیست ، چه در دیباچه کتاب بقلم خود مواف و چه به اتفاق تذکره نویسان همه جاها السمرقندی نوشته شده است .

« عصر مؤلف »

ایلک خانیه - یا خاقانیه پال افراسیاب سلسله از حکمرانانند که در اصل و نصب ترک بوده اند و بتصرف ارباب تاریخ این خاندان از ملوک ترک بعد از سامانیان و قبل از مغول در ماورالنهر سلطنت داشته و روزگاری دور و دراز حکمرانان بلاد و سواد اسلامی بوده اند .

مورخین ، دوره حکمرداری ایشان را دو پست و سی سال می نویسند که بهرور زمان فوت و افتداری بهم رسانده و دولت سامانیان را از ماورالنهر منقرض نمودند و در آن سامان بقدرت و شوکت سلطنت نمودند تا بالاخره خود بدست خوار ز شاهیه منقرض و سرشکسته گردیدند .

علی الکاتب تا سال ۶۰۰ هـ دبیر یکی ازین شاهان بوده که قلیچ طمغاج خان ابراهیم نام داشته و از ملوک ماقبل آخرین این سلسله هست .

و فراری که خودش در دیباچه می نویسد بامر و ارشاد آن پادشاه علم دوست سند باذ نامه ابوالفوارس دفتار روزی را بفارسی بخته تر و رساتر برگردانده و به مدوح خویش برسم و آئین گذشتگان پیشکش و انجاف نموده است .

آثار مؤلف

محمد الکاتب السمرقندی سه اثر قیمت دار نوشته است که منجمله دواثر آن موجود و یکی آن هنوز مفقود است .

اثریکه هنوز از وی اثری در دست نیست در کتب و تذکره ها بنام سمع الظهیر رقی جمع الظهیر

خواننده می شود تنها محمد عوفی صاحب ابواب در وصف این کتاب نوشته است « که از زهره شکوفه ها و غنچه های بهشتی يك غنچه خندان و زيباست » .

و ميگویند اثری بوده است معنوی افکار و جیزه های حکمت آمیز و سودمند .

دومین اثر مواف همین سند باذنامه است که نخست از طرف « Riew » بکمبرج - مشرق اروپائی تعریف و توصیف شده است .

يك نسخه آن در « بریتش موزیم » موجود بود که برای معلومات تاریخی از آن استفاده می شد مثل میرزا محمد فروغی که برای تثبیت کثبت و هویت فلج طمغاج و سلسله خانیه - بدان نسخه مراجعه کرده و حتی قلمی هم از آن کتاب برای خود برداشته است و بعد از مدتی هم محمد نظام الدین برای تثبیت منابع جوامع الحکایات و اوامع الروایات عوفی به آن کتاب مراجعت و از آن استفادت برده است . بعدها دیگری که این نسخه را دیده « بار تولد » است که راجع به سلسله مظفریه نوشته است .

سومین اثر مؤلف رساله ایست بنام « اغراض السیاسیه فی اغراض السیاسیه » که از زبان حکمداران و فرمان روایان مطالب خیلی مهم و اساسی در آن ذکر نموده است .

اولین دفعه می بینیم که راجع به این اثر عوفی در ابواب خود توصیفی نموده است .

امین احمد رازی هم بعد از عوفی در هفت اقلیم اندرین زمینه اوصافی از آن اثر ذکر نموده است .

صاحب کشف الظنون اسم رساله فوق را با کمی تغییر تصریح کرده و از نسخه قلمی که در کتابخانه ایا صوفیه دیده شده است نیز یاد نموده است بار تولد نیز ازین رساله در نوشته های تاریخی خود استفاده کرده است .

محمد طاهر بیگ « بورسلی » هم در يك اثر خویش اسم این رساله را برده و از نسخه کتابخانه ایا صوفیه استشهاد کرده است .

مثنی به رساله محمد گرامی عبدالوهاب طرزی و مهتم کتاب سند باذ « آقای آتش » در گرامر فارسی که سال ۱۹۴۰ برای فاکولته ادبیات تارک نوشته اند قسماً از حکایه سنجر بن ملک شاه را اندران نشر کرده اند و بهر رفته این اثر آخرین از زمان جهشید کیانی تا سنجر سلجوقی مطابق بس مهم و جیزه های بس حکمتی را احتوا می کند .

خصوصیات ادبی آثار مؤلف

احمد آتش در مقدمه سند باذ نامه بصفحه ۸۰ را جمع بهزایا و کیفیات ادبی آثار علی السکات مطالب مفصل می نویسد که اینجا بقدر ضرورت از آن بصورت ترجمه و نگارش خدمت خوانندگان عرضه می داریم در تحقیق خصوصیات ادبی دو اثر او - یکی سند باذ و دیگر « اغراض السیاسیه » بنا بر اعتبار اسلوب تحریر و غایه و نصب العین مواف اشتراک نامی دیده می شود .

متون هر يك ازین دوائر حاوی - نصایح سودمند در زمینه طرز نیک اداره و نماینده اخلاق نیک حکمدار و وزیران است که بصورت و جیزه ها و حکایات ساده افاده شده است . فرقی که سند باذ نامه با اغراض السیاسیه دارد حکایاتی است در مورد لغزش ها و مکر و حیل زنان که پلان اولی کتاب سند باذ نامه را تشکیل می دهد دیگر موضوعات اثر فوق الذکر روشن و بسیار است .

مثلاً تماس نویسنده در سایر موضوعات مثل مقدمه طویل کتاب مذکور که راجع بطرز اداره و مصالح عدالت در کشور مباحثاتی دارد قابل ملاحظه است .

در خلال سایر حکایات این کتاب مهم مطالب و قواعد اخلاقی را چسته چسته در لباس افسانه از زبان پیران گمان و غیره در می یابیم .

الحاصل هر يك از این کتابها درست بصورت کتب نصیحت الملوك نوشته شده است . گذشته از آن نویسنده در هر دو اثر خویش افکار القائی و تلقینات خویش را پیوسته در بین وینامه مواف حکمه داره اباس های زیبای لفظی و معنوی پوشانده است . و در خلال هر يك از آن اشعار منتخب و مناسب را گوشزد کرده است . بناء علیه در نوشتن هر دو کتاب یعنی اعراض السیاسیه و سند باذ نامه نویسنده يك طرز مسکرر اسلوب را بکار برده است .

بیننده و خواننده از خواندن این دو اثر می دانند که اشعار فارسی و عربی را که مولف در آثار خود گرد آورده و ثبت کرده است از شعرای مختلف و معایر الفکر است . حتی تصور می شود که مولف از نقطه نظر حسن ذوق در انتخاب اشعار در قسمت شعر و شاعری معلوماتی وافی نداشته است .

بسا اشعار در سند باذ نامه دیده می شود که هنوز شاعر آن معلوم نیست و بعضی از آن فقط بدین جهت در اصل اثر گرفته شد تا روزی که پند گمان آنها پیدا شوند . بجز چند چند بیت در خلال روایات - چه عربی و چه فارسی باقی اکثریت آن بنا بر لحاظ ربط موضوع کمی قابل دقت است .

سند باذ نامه در قسمت منثور مخصوصاً مقدمه التزاماً به اسلوب تکلف و تصنع رقم شده است .

مولف بالذات در مقدمه کتاب چنانکه خود گفته است .

به تناسب صنایع معنوی صنعت های لفظی را بیشتر اهمیت داده است چنانکه در هر سطر مقدمه کتاب به تجنیس های لفظی و بکار اتمال موازیه و علمه و غیر آن بر میخوریم . مولف در ترتیب جملات الفاظ بسیار و معانی کم افاد می کند که البته این از خصوصیات وی در مقدمه التزامش شمرده می شود .

برخی حکایات و اتمله درست به اثرهای قدیم یعنی برسبك و روش خراسانی نوشته شده که هیچگونه تکلف و تعقیدی اندران پیدا نیست اما بعضی حکایات بر تکلف و تصنع استوار شده است و رویهم رفته چاپ این اثر مهم فارسی از طرف دوستان ادب فارسی در تبرک به غنیمتی است بس مهم و مفید و خدمتی است شایان فخر و تحسین .

تصور می شود که کاتب السمرقندی برخی حکایات را با تغییر اندک از نوشته داو الفوارس فنا روزی در کتاب خود نقل کرده باشد چه تفاوت اسلوب و طرز تحریر در متن حکایات و مقدمه خیلی زیاد است - محض جهت مقایسه در یکی از شماره های آینده این مجله دوسه پارچه از نوشته های سند باذ نامه را به پیشگام نظر دقیق خوانندگان مو شکاف عرضه میدارم .

ض ، قاری زاده